



پنجشنبه ۳۰ سپتمبر ۲۰۲۱

حمید انوری

## رنگ خون افغان سپید است مگر؟!

غرامت پرداختی برای کشته شدن غیرنظامیان افغان توسط بریتانیا در یک مورد ۱۰۴ پوند بود جانانان بیل خبرنگار امور دفاعی بی بی سی به تاریخ ۲۴ سپتمبر ۲۰۲۱ گزارش جالبی در سایت بی بی سی منتشر کرد تحت عنوان "غرامت پرداختی..."، که از نگاه این کمترین سخت مورد درنگ می نمود.

افغانستان عزیز حدود چیزی کمتر نیم قرن یا ۵۰ سال می شود که دستخوش ناملایمات روزگار، نامردی و نامردمی های یک مشت بی روزگار و درگیر جنگ و جرم و جنایت و جاسوسی و کشتار و خون ریزی است. این همه نامردی و نامردمی و...، درست زمانی به اوج خود رسید که یک مشت جاسوس روس در کشور ما دست به کودتا زدند و رهبر کبیر، اما صغیر شان، تره کی دست به دامان روس های جنایتگستر برد و کشور را دو دستی به تجاوزگران روسی پیشکش نمود و باقی قضایا...

تجاوزگران روسی طی یک دهه جرم و جنایت، بیش از یک و نیم تا دو میلیون افغان آزاده را از دم تیغ عداوت شان گذشتانند، از کشته های هموطنان مظلوم ما پشته ها ساختند و کشور را به یک ویرانه غم انگیز مبدل نمودند و بعد که چاره را حصر دیدند، فرار را بر قرار ترجیح دادند و راه خود را گرفتند و رفتند.

هیچ انسان با شرفی در رژیم های بعدی پیدا نشد که غرامات جنگ ده ساله را از روس های تجاوزگر مطالبه کند. فرد کثیفی به نام بحران الدین جنگانی (برهان الدین ربانی) قبل از آنکه جرئت و شهامت داخل شدن به افغانستان را داشته باشد، به سلامی تجاوزگران روسی به ماسکو شتافت، نماز شکرانگی را در ماسکو بجا آورد و طی یک ساخت و باخت شرم آور و ننگین، غرامات جنگ افغان- روس را به تجاوزگران روسی از کیسه خلیفه بخشید و آب از آب تکان نخورد...

چرخ روزگار همچنان می چرخید، تنظیم های ساخت پاکستان و ایران و عرب به مجرد داخل شدن به کابل، جوی هائی از خون هموطنان مظلوم ما جاری ساختند و...، طالبان آمدند و کشور نیمه ویران ما را به قرن چهاردهم رجعت دادند و رفتند و باز هم هیچ کسی خواهان غرامات جنگ از روس ها نشد که نشد.

این بار اما نوبت تجاوز امریکا و متحدین به کشور جنگ زده و ویرانه ما بود. تجاوز آغاز شد، کشور باستانی، اما ویرانه ما پامال تجاوزگران بیش از چهل کشور جهان گردید. باز هم جرم و جاسوسی و جنایت، خطا و خیانت از سر گرفته شد، خاک و خون و خاکستر بهم آمیخت و باز هم کشتار افغان های مظلوم و بی دفاع آغاز گردید و...، این دوران جنایت و گرفتن و بستن و کشتن و...، اما بیست سال ادامه یافت. چند مزدوری، مزدوری کردند و به قیمت خون افغان، به نان و نوا و کج کلاهی رسیدند و...، امریکائی ها و متحدین که متوجه شدند در این جنگ نابرابر هرگز و هرگز برنده نخواهند شد، بستره های خود را بستند و با عجله تمام در یک شب تاریک راه فرار پیش گرفتند و...، در این جنگ اعلان ناشده اما، بیشتر از یکصد و پنجاه هزار از هموطنان ما به خاک و خون غلتیدند و عساکر امریکائی در عقب خود فقط یک ویرانه بجا گذاشتند. باز هم هیچ انسانی پیدا نشد تا غرامات جنگ را از امریکا و متحدین مطالبه کند.

و اما ببینیم که در یک گوشه خلوت پراختن غرامات به چند فامیل مظلوم و بی دفاع و بی بازخواستگر که گویا اشتباهاً در جریان جنگ نابرابر قربانی شدند و خون های پاک شان ریخته شد، چه مقدار غرامات دریافت کرده اند. البته این فقط یک نمونه است و یک قطره از ابحار و یک ذره از بسیار آنهمه قتل و کشتار.

آخر غم و درد افغان و افغانستان از اندازه بیرون است و هر روز و هر لحظه، دردی است تازه بالای درد کهنه، بیشتر از چهل و چند سال است که درد های تازه بر درد های کهنه افزود میگردد و با مسما می نماید تا نام نامی افغانستان را، "دردستان" گذاشت.

به هر حال این کمترین تلاش میکنم تا از یک زاویه دیگر به قضایا بنگرم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

شمة از گزارش یاد شده بی بی سی:

( ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۱ )

... وزارت دفاع بریتانیا در فاصله سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ برای مرگ ۲۸۹ غیرنظامی ۶۸۸

هزار پوند پرداخت کرده است که به طور متوسط ۲۳۸۰ پوند برای هر یک نفر است.

اما در یک مورد خانواده یک قربانی فقط ۱۰۴ پوند و ۱۷ پنس دریافت کرد که کمتر از غرامتی است که دیگران برای مرگ حیوانات خود گرفته اند.

وزارت دفاع بریتانیا گفت که این غرامت براساس اصول حقوقی محاسبه شده است. در مجموع ۳۹۷ هزار پوند برای ۲۴۰ مورد جراحت توسط بریتانیا پرداخت شد که به طور متوسط ۱۶۵۴ پوند برای هر نفر است)

وا! ایها! مقامات حقوقی و نظامی و سیاسی انگلیس قربان این اصول حقوقی خود بشوند که در جهان مثل و مانند ندارد.

طوری که دیده می شود، قیمت خون و زندگی هر افغان برای انگلیس ها فقط ۱۶۵۴ پوند است، این درحالیست که در یک مورد انگلیس ها برای جان یک نفر، تنها و تنها ۱۰۴ پوند و ۱۷ پنس پرداخت نموده اند. برای امریکائی ها این "قیمت" به مراتب کمتر و یا هیچ بوده است.

حال ببینیم که "قیمت" جان غیر افغان بر اساس این "اصول حقوقی" چه اندازه بوده است.

سری میزنیم به یکی دو گزارش و خبر از سال های قبل در این گونه موارد:

"... لیبیا در عین حال مسئولیت سقوط هواپیماهای فرانسوی و امریکایی در نایجریا و لاکربی را قبول کرد و آمادگی خود را برای پرداخت غرامت به بازماندگان قربانیان این دو سانحه اعلام داشت. اقدام لیبیا با استقبال کشورهای غربی مواجه شد و لغو تحریم های بین المللی و برقراری روابط کامل سیاسی کشورهای غربی از جمله امریکا با لیبیا را در پی داشت.

رهبر لیبی در سال ۲۰۰۴ دستور داد مبلغ یکصد و هفتاد میلیون دلار به بازماندگان یکصد و هفتاد سرنشین هواپیمای فرانسوی پرداخت شود.

اکثر سرنشینان این طیاره که شهروندان فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و چند کشور آفریقایی بودند این پیشنهاد را پذیرفتند و گفته می شود که تا پایان سال ۲۰۰۷، این مبلغ را - به میزان یک میلیون دلار برای هر یک از قربانیان - دریافت کردند.

با اینهمه، بازماندگان هفت مسافر امریکایی این هواپیما مبلغ پیشنهادی دولت لیبیا را کافی ندانستند و برای دریافت غرامت بیشتر دوسیه ای را در دادگاه های امریکا به جریان انداختند. "بی بی سی

دیده می شود که در یک گوشه از این دنیای دون، قیمت زندگی یک انسان، فقط ۱۰۴ پوند انگلیسی است و در گوشه دیگر آن ارزش جان یک انسان، یک میلیون دالر محاسبه می گردد، این درحالیست که فامیل های تعدادی از آن قربانیان به دریافت یک میلیون دالر هم راضی نمی شوند و سخن به قاضی و محکمه می کشد.

این بدان معنی تواند بود که خون همه انسانها در روی کره ارض، رنگ سرخ دارد، اما رنگ خون افغان سپید اندر سپید اندر سپید است و از ۱۰۴ پوند ارزش بیشتری ندارد.

"...این در حالست که کم ترین میزان غرامت کشتن و به قتل رساندن یک انسان عادی امریکایی ده میلیون دالر تعیین شده است. با بلند رفتن شخصیت اجتماعی مقتول، میزان غرامت تا یکصد میلیون دالر نیز می رسد..." منابع انترنتی

کشور بی در و دروازه افغانستان حدود ۵۰ سال یا نیم قرن می شود که دستخوش جنگ گردیده است و ۵۰ سال است که خون افغان به نام های مختلف در آن مرز و بوم به زمین میریزد. خاک و سنگ و چوب و درخت و دروازه افغانستان، باغ و راغ و مکتب و مدرسه افغانستان، زمین و زراعت و میوه و سبزیجات افغانستان، آب و برف و باران افغانستان و... همه و همه بوی خون و مواد کیمیاوی و زهری میدهد، نوزادان بسیاری در آن مأوا، معیوب و معلول و با تغییر شکل و کج و معوج به دنیا می آیند.

اینهمه بدبختی و فلاکت و مرض و بیکاری و بی خانمانی و در به دری و آورگی و بیچارگی و قتل و کشتار و ویرانی و ریختن این همه خون پاک افغان که در بهترین حالت قیمت "حقوقی" آن فقط ۱۰۴ پوند انگلیسی است، حاصل کودتای ننگین و خونین هفتم ثور است که کشوری را برباد داد. در این بیش از چهل سال جنگ و خونریزی، هیچ انسان با شرفی که داد از رهبری میزد و یک سر و گردن خود را بالاتر و بهتر از بقیه ملت و مردم میدانست و از خون ملت تغذیه می کرد و...، پیدا نشد که باری هم بازخواستگر خونهای ریخته شده افغان های دربند کشیده شده در آن سرزمین گردد. چه باید کرد؟ خون افغان سپید است و پیشیزی ارزش ندارد که ندارد.

ملک الشعرا بهار باری چه خوش سروده بود:

### از ماست که بر ماست

این دود سیه فام که از بام وطن خاست  
از ماست که بر ماست  
وین شعله سوزان که برآمد ز چپ و راست  
از ماست که بر ماست  
جان گر به لب ما رسد، از غیر ننالیم  
با کس نسگالیم  
از خویش بنالیم که جان سخن اینجاست  
از ماست که بر ماست

یک تن چو موافق شد یک دشت سپاه است  
با تاج و کلاهت  
ملکی چو نفاق آورد او یکه و تنهاست  
از ماست که بر ماست  
ما کهنه چناریم که از باد ننالیم  
بر خاک ببالیم  
لیکن چه کنیم، آتش ما در شکم ماست  
از ماست که بر ماست  
اسلام گر امروز چنین زار و ضعیف است  
زین قوم شریفست  
نه جرم ز عیسی نه تعدی ز کلیساست  
از ماست که بر ماست  
ده سال به یک مدرسه گفتیم و شنفتیم  
تا روز نخفتیم  
وامروز بدیدیم که آن جمله معماست  
از ماست که بر ماست  
گوییم که بیدار شدیم! این چه خیالیست؟  
بیداری طفلی است که محتاج به لالاست  
از شیمی و جغرافی و تاریخ، نفوریم  
وز قال و ان قلت، به هر مدرسه غوغاست  
از ماست که بر ماست  
گویند بهار از دل و جان عاشق غربیست  
یا کافر حربیست  
ما بحث نرانیم در آن نکته که پیداست  
از ماست که بر ماست